

تاخت و تاز سیل مرگبار در هفت استان کشور

۱۰۶ نیروی عملیاتی در قالب ۲۸ تیم به ۱۸۴ خانوار و مجموعاً ۸۴۶ نفر امدادرسانی کردند

سیل و آبگرفتگی در هفت استان کشور جان چهار نفر را گرفت. در این حادثه دو نفر دیگر نیز مفقود شده‌اند. این در حالی است که امدادگران به ۸۴۶ نفر امدادرسانی کردند.

محمد حسن قوسیان مقدم، سخنگوی جمعیت هلال احمر، درباره جزئیات این عملیات گفت: «به دنبال پیش بینی ها از احتمال جاری شدن سیل و آبگرفتگی در برخی از استان های کشور، جمعیت هلال احمر سازمان امداد و نجات و امدادگران این سازمان راه حالت آماده باش درآورد.»

او با بیان اینکه سیل و آبگرفتگی در هفت استان کشور رخ داد، گفت: «طی روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۰۶ نیروی عملیاتی در قالب ۲۸ تیم به ۱۸۴ خانوار و مجموعاً ۸۴۶ نفر امدادرسانی کردند.» او با بیان اینکه دو نفر در استان قزوین مفقود شده‌اند، گفت: «در این استان سه نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. در حال حاضر عملیات امدادرسانی در پنج استان به پایان رسیده اما در استان های قزوین و زنجان عملیات امدادرسانی همچنان ادامه دارد.»

مرگ یک چوپان در سیل

این در حالی است که سیل در شاهین دژ جان یک چوپان را گرفت. امیرعباس جعفری، مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان غربی، در این باره گفت: «بارش های باعث آبگرفتگی در ۵ روستای تکاب شد. همچنین به طولیله احشام خسارت وارد کرد که برآورد خسارات در دست بررسی است. همچنین در شهرستان شاهین دژ بازنگری به تعدادی از عشایر خسارت مالی وارد کرد. سیل این منطقه جان یک نفر چوپان به همراه گوسفندانش را گرفت که بیکر چوپان به وسیله هلال احمر پیدا شد.»

جعفری با اشاره به بارش های دوشنبه شب گذشته در مرکز استان نیز گفت: «تاکنون خساراتی از بارش شدید باران در ارومیه گزارش نشده است و فقط بارش ها در حد آبگرفتگی در برخی معابر شهری بوده است.» مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان افزود: «از شهروندان تقاضا داریم در صورت اعلام هشدار هواشناسی از حضور در ارتفاعات و جرای دام ها بپرهیز کنند تا شاهد بروز چنین حوادث تلخی در استان نباشیم.»

آبمیوه های مسموم دوباره قربانی گرفت

سارق سابقه دار از همراهان بیمار دزدی می کرد

پلیس پایتخت سارق سابقه داری را که با شیوه و شگرد خوراندن نوشیدنی مسموم اقدام به سرقت از شهروندان می کرد، دستگیر کرد. اوایل تیر پرونده ای با موضوع سرقت به روش بیهوشی در کلانتری ۱۴۵ ونک تشکیل شد. این پرونده با دستور قضائی برای بی جویی و کشف جرم به پلیس آگاهی ارجاع شد.

شاکی درباره جزئیات این سرقت گفت: «داخل حیاط بیمارستان نشسته بودم. جوانی حدوداً سی ساله سراغ من آمد. او با تعارف آبمیوه ای که در دست داشت، کنارم نشست. من نیز پس از نوشیدن آبمیوه ناگهان بیهوش شدم. پس از ساعتی که به هوش آمدم، متوجه شدم مورد دستبرد سارق جوان قرار گرفته ام. او مقداری پول نقد و تلفن همراه و ساعت مچی ام را که ارزش تقریبی ۵ میلیون تومان داشت، سرقت کرده بود.»

با اعلام این شکایت پرونده برای رسیدگی تخصصی به تیم مبارزه با سرقت ارجاع شد. کارآگاهان این اداره با حضور در بیمارستان و بررسی سرنخ های موجود موفق شدند تصویر سارق را در مقاطع مختلف بیمارستان به دست بیاورند. متهم حدوداً فردی بیست و هفت ساله، قدبلند و دارای موها محاسن روشن بود.

بنابر این ضمن ارایه هوشیاری به پرسنل بیمارستان و آموزش های لازم به آنان با توجه به سرپالی شدن سرقت هادر چندین روز تعقیب و مراقبت در محل نهایتاً متهم به نام علیرضا دستگیر شد. در تحقیقات اولیه متهم با اظهاراتی ضد و نقیض سعی در کتمان حقیقت داشت. او منکر هر گونه سرقت بود و در نهایت با ارایه دلایل و مستندات به جرم خود اعتراف کرد. با توجه به شیوه و شگرد صورت گرفته در سرقت متهم در تحقیقات تکمیلی گفت: «ابتدا با جلب اعتماد مراجعان در یک فرصت مناسب با استفاده از قرص خواب آور که داخل آبمیوه یا چایی ریخته بودم سوژه را ترغیب به نوشیدن آبمیوه مسموم و پس از بیهوشی اقدام به سرقت اموال شامل موبایل و وجه نقد از آنان می کردم.»

علیرضا در ادامه اعترافش گفت: «تابه حال پس از آزادی از زندان در سال جاری اموال ۱۰ نفر را در بیمارستان های شلوغ و پرتدد به این روش سرقت کرده ام. اموال مسروقه را نیز پس از سرقت به فردی به نام احمد در محدوده خیابان مولوی تهران می فروختم. بعد از فروش آن معادل پول نقد از وی دریافت می کردم.»

مالخرا اموال سرقتی نیز در محدوده خیابان مولوی دستگیر شد. در بازرسی از مخفیگاهش تعدادی اموال مسروقه از آن محل کشف شد و متهم در تحقیقات پلیسی به خرید اموال مسروقه اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی پایتخت، با اعلام این خبر گفت: «تابه حال ۸ نفر از شاکیان شناسایی و پس از اخذ اظهارات به دادسرا معرفی شده اند.»



گفت وگویی «شهروند» با مردی که دختر و خواهرش را در یک استخر آب از دست داد

هوتک برای خانواده بلوچ میراث دار مرگ شد

همبازی های آنها را دیدم که کنار هوتک بالا و پایین می پرند.»

فریاد کمک خواهی

امامه و سودا دو سال بیشتر ندارند. همبازی های آنها در روستا بودند. دو دختر بچه ای که حتی کلمات را نمی توانند به درستی ادا کنند اما پدر از اشاره دختران به هوتک بی امان به آب زد.

پدر لحظات تقلا برای نجات دخترش را به تصویر می کشد. لحظاتی که در تاریخ خانواده شان تکراری است. «وقتی به همبازی های آنها رسیدم متوجه شدم که دخترم هم با آنها بوده است، اما آنجا نبود. نگران شدم. از دو دختر بچه خردسال پرسیدم آنها کجاست؟ به سختی حرف می زدند. گیج و مهیوت بودم که امامه انگشتش را به سمت هوتک نشانه رفت. دیگر هیچی متوجه نشدم خودم را به آب انداختم، اما خبری نبود. دیوانه وار فریاد می زدم. سرم را از آب بیرون می آوردم فقط فریاد می زدم مادر آنها را خبر کنید.»

هوتک تا خانه چندمتری فاصله نداشت.

فریاد کمک خواهی کودکان، مادر را پای برهنه به سمت قتلگاه برد. زمین داغ روستا را در آن ظهر سوزان مرداد حس نکرد. تمام قدرتش را به پاهایش سپرد. گام هایش سریع و بلند شد. قیوم را که میان آب دید شستش خبردار شد. تکرار یک داغ دیگر در همان هوتکی که نفس را از سحر گرفت. تا بیخ پر آب بود. مادر هم به آب زد. مصیبت در آب روی سرش ویران شد. تن بی جان آنها را ناله کنان پیدا کرد. به آغوش کشید و بیرون آورد.

پدر با صدایی غمگین همچنان که بغض را قورت می دهد می گوید: «وقتی مادرش آنها را از آب بیرون کشید دخترم دیگر نفس نمی کشید. با این حال با سرعت او را به بهداری بردیم تا شاید بتوانند آنها را احیا کنند، اما پزشک اعلام کرد که او فوت شده است.»

آرزویم فوتبالیست شدن بود

قیوم سال هاست که مشکل اعصاب دارد. ۱۶ ساله بود که به عنوان فوتبالیست تیم نونگ که تحت نظر تیم پرسپولیس

مشکل مادرزادی است. نیمکره راست سرش بلندتر از نیمکره چپش قرار داد. «عبدالمنان از وقتی به دنیا آمد سرش مشکل داشت. ما هم متوجه نشدیم دلیل بلندی و کوتاه و دوطرف سرش چیست. تا اینکه چند وقت پیش پزشک رفتیم. او گفت که باید تا پیش از ۱۷ سالگی عبدالمنان جراحی شود، اما هزینه های جراحی خیلی بالاست. هیچ وقت از پس این هزینه بر نخواهیم آمد.»

حادثه ای مشابه

خرداد امسال هم یحیی ۶ ساله در روستای شیخان کرگ قربانی هوتک شد. هوتک، یحیی را زیر خاک برده است. خاک سوزان دشتیاری. از همان خاکی که فراری بود برای گرمایش، اما حالا زیر همان خاک برای همیشه خوابیده. وقتی یحیی زیر آب گل آلود هوتک روستا دست و پا می زد، پدر نبود. به شهر رفته بود. مادر میهمان خانه دایی بود. دایی یحیی شد هاتف بدخبر و محمداکرم بلوچ را خبردار کرد. پدری که حسرت آب سراسر زندگی اش را پر کرده است. همه اجدادش در همین خاک نفس کشیده اند و زندگی کردند. مدفن شان هم شد همین خاک خشک و محروم. حالا کودکانش میراث دار اجدادش هستند. صدای تشنگی شان را کسی ننشیده، در محرومیت هم که دست و پا می زنند.

در اکثر روستاهای سیستان و بلوچستان خبری از ابتدایی ترین وسیله سرگرمی کودکان نیست و واژه هایی چون پارک بازی، اماکن تفریحی و سرگرمی، کلاس های آموزشی برای این کودکان بیگانه هستند. بنابراین همین خلاء باعث می شود، کودکان سرگرمی خود را در رودخانه های عمیق و پرآب، هوتک های باتلاقی و برکه هایی بچوبند که زیستگاه گاندوها هستند و خطرناک برای رفع نیاز و سرگرمی کودکان و در پایان نیز باید عرض کرد که مادران و پدران چنان سرگرم و غرق در مشکلات و گرفتاری های خویشند که اصلاً به سرگرمی کودکان نمی اندیشند. آن رای یک اولویت و ضرورت نمی دانند. چنین است که خبر غرق شدن کودکان در رودها و هوتک ها شدت گرفته است.



وقتی مادرش آنها را از آب بیرون کشید دخترم دیگر نفس نمی کشید. با این حال با سرعت او را به بهداری بردیم تا شاید بتوانند آنها را احیا کنند، اما پزشک اعلام کرد که او فوت شده است

بود به تهران آمد. همان سال مشکل اعصاب پیدا کرد. «آرزویم فوتبالیست شدن بود. تمام تلاشم را کردم که به تیم بزرگی چون پرسپولیس راه پیدا کنم. وارد تیم نونگ که تحت نظر تیم پرسپولیس بود، شدم. تمام دغدغهام فوتبال بود. تمام وقتم را برای فوتبال گذاشتم. شبانه روز تمرین کردم. تصور می کردم به تهران بروم به آرزویم خواهم رسید، اما هیچ کس از من حمایت نکرد. پشتیبانم نشد. همین شکست در زندگی ام باعث به وجود آمدن مشکلات اعصاب شد. دیگر نتوانستم کار کنم. کسی با این مشکلات به من کار نمی داد. مشکلاتم به حدی است که ناگهان بی هوش می شوم و متوجه نیستم چه اتفاقی می افتد. الان سال هاست که بیکارم. گهگاهی کارگری می کنم. در حال حاضر ۳ ماهی است که بیکارم.»

بیماری مادرزادی عبدالمنان

قیوم یک پسر و دختر دیگر هم دارد. نعمان ۷ ساله است و عبدالمنان ۲ ساله. پسر کوچک خانواده درمان هم دچار

مریم رضاخواه هوتک روستای جماعت زهی پلان چابهار سلسله مرگ های دو کودک خانواده آقای «درمان» را در دل خویش ثبت کرده است. آنای ۴ ساله در همان هوتکی غرق شد که قتلگاه عمه اش هم بود. سریال این مرگ ها از ۶ سال پیش کلید خورد. همان روزی که سحر ۷ ساله قربانی استخر عمیق روستایشان شد. حالا تاریخ تکرار شده است. آنها هم گرفتار همان آب مرداب گونه در چندمتری خانه شان شد. شاید مرگ های زنجیره ای کودکان بلوچ در هوتک ها چنان تکرار شده است که گوش ها خو گرفته اند، اما این درد ورنج بی پایان برای خانواده «درمان» فاجعه است. قیوم ۳۹ ساله هنوز لحظات مرگ خواهر ۷ ساله اش در سرش رژه می روند. خوب به یاد دارد که پدرش و روستاییان چطور تقلا کردند تا سحر ۷ ساله را از عمق ۷ متری هوتک نجات دهند اما مرگ به سرنوشتش سنجاق شده بود. سحر در استخر مرگ جان داد. تصویر بی جان سحر از همان روز از ذهن برادر خط نخورده است، اما برادر سوگوار با گذشت ۶ سال دوباره رخت عزایرتن کرده و داغدار دختر ۴ ساله اش آتناست. همان دختر بچه ای که در هوتک روستای جماعت زهی پلان غرق آب شد.

هوتک ها تنها سرگرمی کودکان روستا

«قیوم درمان» پدر آنها و برادر سحر است. پدری که از ناراحتی نمی تواند کلمات را کنار هم ردیف کند. از روزی می گوید که بیکر بی جان دخترش را از اعماق استخر ۵۰ متری گرفتند. «برای نماز ظهر به مسجد رفته بودم. همسرم هم در خانه نماز می خواند. آنها از مادرش پول گرفته بود که برای خرید به مغازه برود. اصلاً قرار نبود که در این گرما بازی کند. از وقتی خواهرم سحر در هوتک غرق شد خیلی مراقب بچه هایم بودم. هرگز اجازه نمی دادم در کنار این استخرها بازی کنند، اما چه فایده. هیچ اسباب بازی و وسیله سرگرمی و تفریح برای کودکان روستایی فراهم نیست. این کودکان ناخودآگاه جذب هوتک ها می شوند. چون تنها سرگرمی شان همین برکه های آب است. وقتی از نماز برگشتم.